

آثار خجسته‌ی خجندیان در پاکستان

عارف نوشاهی

این گفتار کوتاه فقط به رسم سوغات و ره‌آوردی است که از کشور پاکستان برای دوستان خجند آورده‌ام. دوستان این را به هیچ روی مقاله‌ی تحقیقی به حساب نیاورند و به عنوان برگ سبز از این درویش و مسافر بپذیرند.

علاقه‌ی من، جست و جوی آثار خطی است و در حین جست و جو به آثار خطی مؤلفان هر بلاد و شهر و قریه که در آنجا زبان فارسی معمول و رایج بوده است، برمی‌خورم. در این مقاله چند اثر خطی مؤلفان خجندی‌تبار که در کتابخانه‌های مختلف پاکستان وجود دارد، به دوستان معرفی می‌کنم. بودن این آثار نویسندگان و شاعران خجند در گوشه و کنار پاکستان خود دلیلی محکم بر روابط فرهنگی دیرینه و داد و ستد علمی در گذشته‌های دور و دراز است. شاید از لحاظ جغرافیایی ما الان از یکدیگر کمی دور مانده‌ایم، ولی حضور بزرگان خجند همیشه در صفحات تاریخ فرهنگی و ادبی شبه قاره بوده است.

در ۱۹۹۶م. وقتی آکادمی ادبیات پاکستان می‌خواست شاعری عارف‌مشرّب از

کشور تاجیکستان انتخاب کند و اشعار وی را به زبان اردو ترجمه نماید، هیچ شاعری دیگر نبود جز کمال خجندی - . دکتر صدیق شبلی ۱۰۱ غزل کمال را برگزید و با نام «تاجیکستان کی صوفی شاعر شیخ کمال خجندی» به اردو ترجمه کرد و در ۲۳۱ صفحه چاپ نمود.

اگر صفحات تذکره‌ها و تاریخ‌ها را با دقت تورق کنیم، حضور ده‌ها و بیست‌ها مؤلف و شاعر خجندی را می‌توانیم در شبه قاره درک کنیم، چه حضور جسمی و چه حضور معنوی، این موضوع خودش نیاز به تحقیق جداگانه دارد.

نقطه‌ی آغاز مهاجرت‌ها چه مقطع تاریخی بوده؟ من بر حسب تصادف در شرح حال شیخ فریدالدین مسعود گنج شکر (وفات ۶۶۴ هجری مطابق ۱۲۶۶ میلادی) عارف معروف کشور خود دیدم که مادر ایشان دختر مولانا وجیهه الدین خجندی بوده و این خانواده از چند نسل پیشتر از خجند به کابل و از آنجا به پنجاب هجرت کرده بود. پس نقطه‌ی آغاز این مهاجرت‌ها حتی قبل از قرن دوازدهم میلادی برمی‌گردد و در عصر طلایی تیموریان هند، چون از مغزها و استعدادها استقبال فراوان می‌شد، کاروان‌های مسافران و مهاجران بلاد ماوراءالنهر به هند پربارتر می‌شوند و مبادله‌های فرهنگی تشدید پیدا می‌کند - ، باید روی تک تک خاندان‌های ماوراءالنهر که به شبه قاره هجرت کردند، تحقیق انجام بگیرد تا نقش آنان در تعمیم فرهنگ مشترک روشن‌تر شود.

من در این‌جا به نوبه‌ی خود، یک گوشه‌ی بسیار خرد تاریخ فرهنگی را گرفته‌ام و از یک خانواده‌ی علمی خجندی که به پنجاب هجرت کرده و در آنجا سکونت دائم گرفته بود و به برکت علم و دانش خود در آن سامان مقام و احترام به دست آورده بود، اشاره کرده‌ام.

در این گفتار فقط چهار مؤلف یا شاعر خجندی تبار به ترتیب زمانی برگزیده و آثار خطی آن‌ها نشان داده شده است. در معرفی نسخه‌های آثار فقط به یک نسخه

اکتفا شده است. البته این بدان معنا نیست که از آثارشان نسخه‌های دیگر در پاکستان وجود ندارد. در این فهرست مؤلفان، نام صائن‌الدین علی ترکه خجندی اصفهانی را عمداً نیاوردم، چه هم از نظر تعداد مؤلفان و هم از نظر تعداد نسخ خطی، هر یکی آثارش در پاکستان به حدی فراوان است که از ذکر آن‌ها صرف نظر کرده‌ام.

عبدالجبار خجندی، قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی

کتابی منظوم با نام «مدخل» در علم ستاره‌شناسی بالعموم به خواجه نصیرالدین طوسی (وفات ۶۷۲ هجری مطابق ۱۲۷۴ میلادی) منسوب می‌شود. ولی در نسخه‌ی دانشگاه تهران نام سراینده‌ی آن عبدالجبار خجندی و سال سرودن آن جمادی الثانی ۶۱۶ هجری مطابق ۱۲۱۹ میلادی آمده است. نسخه‌های متعدد این کتاب در پاکستان دیده شده است، از جمله در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، شماره ۳۳۸۹ با تاریخ کتابت ۹۰۳ هجری در صفحات ۲۲۴ تا ۲۵۱ (فهرست مشترک، ج ۱، ص ۲۹۸).

کمال‌الدین مسعود خجندی (وفات ۸۰۰ یا ۸۰۳ هجری مطابق ۱۳۹۸ یا ۱۴۰۰ میلادی)

از دیوان کمال‌الدین مسعود خجندی، شاعر نامدار خجند نسخه‌های متعدد در کتابخانه‌های پاکستان موجود است. در این‌جا فقط به دو نسخه اشاره می‌شود. یکی در کتابخانه‌ی جی معین‌الدین مرحوم لاهور موجود بوده است با تاریخ کتابت ۸۵۰ هجری در ۱۲۹ ورق، نسخه‌ی دیگر در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، شماره‌ی ۸۶۷ با تاریخ کتابت ۹۴۴ هجری در ۴۲۲ صفحه موجود است (فهرست مشترک، ج ۷، ص ۴۷۹).

علا‌الدین احمد خجندی برهانی (وفات ۸۳۰ هجری مطابق ۱۴۲۷ میلادی)

القصاری در صرف زبان عربی، تألیف علاءالدین احمد خجندی برهانی را شارحی نامعلوم به فارسی شرح کرده است و نسخه‌ی خطی این شرح در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، شماره‌ی ۱۰۵۳۰ در ۱۰۴ صفحه موجود است (فهرست مشترک، ج ۱۳، ص ۲۶۵۳).

حاجی خلیفه در کشف‌الظنون نسبت مؤلف را خجندی نوشته است که تصحیف خجندی است.

نظام‌الدین محمد بن محمد رستم بن عبدالله خجندی (متولد ۱۰۶۳ هجری مطابق ۱۶۵۳ میلادی)

نظام‌الدین محمد، یکی از مؤلفان خجندی تبار، در عصر اورنگ‌زیب عالم‌گیر، پادشاه تیموری هند (۱۶۵۸-۱۷۰۷) در امن‌آباد پنجاب زندگی می‌کرد. اجداد او از خجند به امن‌آباد هجرت کرده بودند. پدر او محمد رستم قاضی امن‌آباد بود. نظام‌الدین محمد هم در دربار اورنگ‌زیب بار داشت، تمام عمرش را در تتبع در سیره‌ی نبوی و شرح کردن قصاید در مدحت رسول اکرم (ص) به سر کرد و آثار متعدد فارسی در این زمینه به یادگار گذاشت. آثاری که از قلم او هنوز موجود است، به شرح زیر است:

شرح قصیده‌ی محمدیه، وی دو شرح بر این قصیده نوشته بود، یکی بلند و دیگری کوتاه، از شرح کوتاه که در ۱۰۹۴ هجری مطابق ۱۶۸۳ میلادی نگاشته بود، نسخه‌ای در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، شماره‌ی ۲۱۵۱ با تاریخ کتابت ۱۲۵۵ هجری، صفحه‌ی ۴۲ تا ۹۳ موجود است (فهرست مشترک، ج ۸، ص ۹۹۲).

شرح شمایل‌النبی ترمذی را در ربیع‌الثانی ۱۱۰۸ هجری مطابق ۱۶۹۶ میلادی نگاشت. نسخه‌ی خطی آن در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، شماره‌ی ۴۳۹ با تاریخ کتابت ۱۱۱۶ هجری، ۸۰۳ صفحه موجود است (فهرست

مشترک، ج ۱۰، ص ۱۹۹-۲۰۰).

شرح نعت‌النبی، شرح قصیده‌ی "بانت سعادت" است در مدح حضرت رسول اکرم(ص) که در ۱۱۱۳ هجری مطابق ۱۷۰۲-۱۷۰۱ میلادی نوشته بود. نسخه‌های متعدد در پاکستان است، از جمله در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد، شماره‌ی ۶۶۵۵ در ۱۳۴ صفحه نیز موجود است. (فهرست مشترک، ج ۸، ص ۹۹۱).

شرح قصیده‌ی ابوالعلا معری را در ۱۱۱۴ هجری مطابق ۱۷۰۲-۱۷۰۳ میلادی نوشته بود. یک نسخه در کتابخانه‌ی جی معین‌الدین مرحوم لاهور در ۲۴۶ صفحه موجود بوده است (فهرست مشترک، ج ۸، ص ۹۹۳).

شرح درود مستغاث، نسخه‌ای در کتابخانه‌ی شخصی مولانا محمد علی مکهد، در بخش اتک پنجاب در ۵۰ صفحه موجود است (فهرست مشترک، ج ۳، ص ۱۵۹۵).

شرح قصیده‌ی بُرده، نسخه‌ای در کتابخانه‌ی دیال سینگ‌ترست، لاهور، شماره‌ی ۷۳۰، در ۱۳۸ ورق موجود است (فهرست مشترک، ج ۸، ص ۹۹۲).
نظام‌الدین محمد خجندی امن‌آبادی شاعر نیز بوده است و «نظام» تخلص داشت. در این‌جا نمونه‌ی شعر او از دیباچه‌ی «شرح قصیده‌ی بانت سعادت» آورده می‌شود.

هزار حمد که نعت حبیب رب عبّاد
مراسم ورد شب و روز، قوت روح و فواد
هزار شرح به عربی و فارسی سازم
ز شرح و متن بجز ذکر دوست نیست مراد
ز جوش عشق نوشتم شروح نعت حبیب
به غیر عشق که دل را به روی تیغ نهاد

به دست عشق دلم نعت را نگاشته است
 دلم که بردم شمشیر غیر عشق نهاد
 گلست نعت ز بستان قدس و از سر شوق
 نظام دین است برو عندلیبِ پرفریاد
 ز حسن نعت و ز عشق نظام امن آباد
 شداست حسن آباد و شداست عشق آباد

چنانکه در این اشعار آمده است شاعر هیچ علاقه و عشق دیگر به جز نعت و مدحت حبیب خدا را نداشت و آثار او گواه راستین بر این امر است. حکیم چنابی یکی از شاعران پنجاب که هم وطن و هم زبان نظام‌الدین بوده، در ستایش او چنین گفته است.

نظام‌الدین به جای مولوی هست
 که کامل با کمال معنوی هست
 چو پدرش مهربان استاد او را
 که دادی قابلیت داد او را
 سخن می‌راند از استعدادش اکثر
 نبودش ای مگر شاگرد دیگر
 حضور پادشاهان بارها شد
 به خردی پیر زینسان کارها شد
 شده روشن ز خوش تقریری او
 به عالم‌گیر عالمگیری او
 به دکهن‌شاه وصف او شنیده

گواه فضل او شرح قصیده
 ولی چون جنگ با کفار بودش
 توجه این طرف دشوار بودش
 به ردّ و قدح کس ناکرده خوئی
 که در شرح قصیده بُرده گوئی

در بیت آخر شاعر با کمال هشیاری هم به شرح قصیده‌ی بُرده نظام‌الدین اشاره کرده است و هم به گوی بردن از دیگر شارحان در شرح کردن این قصیده. حکیم چنابی در ستایش محمد رستم پدر نظام‌الدین نیز اشعاری دارد.

خوش آن قاضی امن آباد رستم
 همه انصاب، عدل و داد رستم.

پی نوشت (منابع):

۱. تحفه‌الپنجاب، حکیم میتا، متخلص به چنابی، تألیف به سال ۱۱۰۰ هجری مطابق ۱۶۸۹ م، آرشیو ملی پاکستان، اسلام‌آباد، شماره‌ی ذخیره‌ی مفتی فضل عظیم، اسلام ۲۳۱.
۲. شرح قصیده‌ی بانث سعاد از نظام‌الدین محمد خجندی امن‌آبادی.
۳. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان تألیف احمد منزوی، ناشر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۸۲-۱۹۹۷.